

فراز و فرودهای سینمای چین در ۱۱۹ سال / مبارزانی که تسلیم نشدند

سینمای چین از زمانی که آثار برادران لومیر را به نمایش می‌گذاشت تا امروز که ۶ نسل فیلمسازی را پشت سر گذاشته همواره تلاش کرده نگاه مستقل خود را نیز داشته باشد.



سینمای چین از زمانی که آثار برادران لومیر را به نمایش می‌گذاشت تا امروز که ۶ نسل فیلمسازی را پشت سر گذاشته همواره تلاش کرده نگاه مستقل خود را نیز داشته باشد.

خبرگزاری مهر - گروه هنر: اگر بخواهیم نگاهی به صنعت سینما در کشور چین بیندازیم باید بگوییم هنر هفتم خیلی زود وارد چین شد و نخستین فیلم‌هایی که برادران لومیر ساختند در سال ۱۸۹۶ در شهر شانگهای برای چینی‌ها به نمایش درآمد؛ یعنی کمتر از یک سال که از نمایش نخستین تصاویر متحرک در شهر پاریس گذشته بود.

صنعت سینمای چین که مرکزش در شانگهای بود آرام آرام شکل گرفت و تقریباً ۱۰ سال بعد به بار نشست. عصر طلایی چین چندین سال بعد به اوج خود رسید یعنی در اواخر سال‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ که به این دوران معمولاً دوره هالیوودِ شانگهای می‌گویند.

اپرای پکن در تصاویر متحرک

محققی به نام مینا واجاکا تاریخچه سینمای چین را به چهار دوره متفاوت تقسیم می‌کند: نخستین دوره (۱۹۰۵-۱۹۲۰)، دوره توسعه (۱۹۲۱-۱۹۲۵) دوره تجاری (۱۹۲۵-۱۹۳۱) و دوره حمایت از جامعه (۱۹۳۲-۱۹۳۷)

در نخستین دوران سینمای چین، اپرای پکن را به فیلم تبدیل می‌کردند و بازیگران این فیلم‌ها نخستین ستارگان سینمای چین به شمار می‌رفتند. فیلم‌ها در چاپخانه‌ها نمایش داده می‌شد که از بسیاری جهات مراکز سرگرمی سازی آن دوران به حساب می‌آمد. پس از پیدایش جنبش کمونیستی در چین فیلم‌های اپرای پکن نقش کلیدی در ساختن هویت ملی چین بازی کردند. نخستین فیلم‌ها متأثر از تئاترهای موزیکال بود. برای مثال ریتم فیلم‌ها و حرکات بازیگران متأثر از تئاترها بود.

نخستین تجربه‌های فیلمسازی در شهر پکن فیلمبرداری شدند، اما اولین فیلم کوتاه رسمی چین با عنوان «زوج دردرساز» در سال ۱۹۱۳ در شانگهای فیلمبرداری شد. در سال ۱۹۲۱ چین نخستین فیلم بلندش یعنی «یان رویشنگ» Yan Ruisheng تریلری برگرفته از یک حادثه واقعی را ساخت که با استقبال روبه‌رو شد و استاندارد را برای فیلم‌های بعدی پدید آورد.

شانگهای مرکز صنعت مدرن سینما

در سال‌های ابتدایی ۱۹۳۰ شانگهای، پایتخت سینمای چین شد. عوامل زیادی در گسترش پایتخت سینمایی دخیل بود از جمله نقش مرکزی شهر در تجارت بین‌المللی. به شانگهای پاریس شرق می‌گفتند. شانگهای نه تنها مهد جنبش‌های سیاسی مختلف بود بلکه پایتخت قالب‌های جدید هنری مانند تئاترهای مدرن، ادبیات و سینما شد و به تدریج شهر به بهشت سینمایی تبدیل شد و جدیدترین فیلم‌های هالیوودی به سرعت در این شهر در سینماها به نمایش عمومی درآمدند. به عنوان مثال وقتی اولین فیلم ناطق هالیوود در ۱۹۲۶ ساخته شد، یک سال بعد در شانگهای روی پرده رفت.

شانگهای سالن‌های مدرن سینما مانند اودیون و امپایر داشت و استودیوهای فیلمسازی آمریکا نیز در آنجا شبکه پخش و سالن سینما داشتند.

هالیوود شرق

صنعت سینمای چین رشد سریعی داشت و در سال ۱۹۲۷ در چین ۱۸۱ کمپانی تولید فیلم فعالیت می‌کرد که ۱۵۱ عنوان از این کمپانی‌ها در شهر شانگهای قرار داشتند. یکی از نخستین و مهم‌ترین استودیوهای شهر شانگهای مینگ ژینگ یا استار استودیو بود که در سال ۱۹۲۲ توسط ژانگ شی چوان و ژنگ ژنگکیو تاسیس شد.

این دو پیشگامان صنعت سینمای چین بیش از ۱۰۰ فیلم تهیه کردند. در اواخر سال‌های ۱۹۲۰ و اوایل سال‌های ۱۹۳۰ سینمای چین دوران طلایی داشت. فیلم‌های این دوران بیشتر تجاری و سرگرم‌کننده بودند. فیلم‌ها معمولاً تاریخی با گریم‌های سنگین، هنرهای رزمی، فیلم‌های کونگ‌فو ای، فانتزی و نبرد میان اهریمن‌ها و انسان‌های اخلاق‌گرا بودند. در سال‌های ۱۹۳۰ سینمای چین دستخوش تغییر شد، نخستین فیلم ناطق چین Gen hongmudan در سال ۱۹۳۱ به نمایش درآمد.

در این دوران ستارگان محبوب در حال و هوای ستارگان هالیوودی در چین به محبوبیت رسیدند. مقام نمادگونه ستارگان سینمای چین تمایز میان زندگی خصوصی و تصویر اجتماعی آنها را ناممکن کرده بود. ستارگان زن و مرد موضوع شایعات در رسانه‌ها بودند. درست مانند وضعیت ستارگان سینمای این دوران.

از شاهکارهای این سال‌های می‌توان به اتوبان (۱۹۳۴) و فرشته خیابان (۱۹۳۷) اشاره کرد. سمبول فیلمسازی این دوران در شانگهای ستاره زن سینما که به گرتا گاروبی چین شهرت داشت، روان لینگکیو بود که در فیلم‌های الهه (۱۹۳۴) و زن جدید (۱۹۳۵) نقش آفرینی کرد و در سن ۲۴ سالگی و در جوانی دست به خودکشی زد.

پایان داستان؟/حمله ژاپن

در سال ۱۹۳۲ ژاپن به چین حمله و شهر شانگهای را بمباران کرد که تاثیر عمیقی بر صنعت سینمای چین گذاشت. علی‌رغم این

اتفاق، صنعت سینمای چین تعطیل نشد و فیلم‌های ملی گرایانه و سیاسی تولید کرد. از نگاه حامیان جنبش حزب چپ گرای چین، سینما باید به مردم آموزش می‌داد نه اینکه سرگرم می‌کرد. در سال‌های پایانی ۱۹۳۰ و پس از اشغال شانگهای بیشتر اهالی صنعت سینمای چین به هنگ کنگ رفتند.

چین جدید

با پیروزی حزب کمونیست بر نیروهای ملی‌گرا در سال ۱۹۴۹ دوران جدیدی شروع شد. این تغییرات تاثیر شگرفی بر سینمای چین گذاشت. در هنگ کنگ مقامات بریتانیایی حکمرانی می‌کردند. این مستعمره فیلم‌های متفاوتی را عرضه می‌کرد. یکی از فیلم‌های مهم که شخصیت قوی زنانه داشت زمستان (لی هانژیانگ ۱۹۶۹) نام داشت.

در سال‌های پایانی ۱۹۴۰ مقامات چین علاقه چندانی به رواج هنرهای رزمی نداشتند بنابراین فیلم‌هایی که به هنرهای رزمی می‌پرداخت بیشتر در هنگ کنگ ساخته شد و در واقع بیشتر شاگردان مدارس هنرهای رزمی به هنگ کنگ رفتند. در این دوران مقامات چینی نمایش محصولات هالیوود و هنگ کنگ را ممنوع کردند. مضمون فیلم‌های این دوران کارگران، سربازان بودند مانند پل (۱۹۴۹)، دختر موسفید (۱۹۵۰).

در سال‌های ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۱ کمپانی‌های خصوصی شانگهای تشویق به تولید فیلم شدند. کمپانی‌های خصوصی در این سال‌ها ۴۷ فیلم تولید کرده و خیلی زود دچار دردسر شدند. زندگی وو ژان (۱۹۵۰) با نقش آفرینی ژائو دان در دسر درست کرد و به سازندگان فیلم اتهام زدند که ایده‌های فئودالی را رواج دادند. رژیم کمونیست چین سینما را در ید قدرت خود قرار داد. واحدهای سیاری درست کرد تا به نواحی دورافتاده چین سفر کنند و فیلم نمایش دهند. در سال ۱۹۶۵ حدود ۲۰۳۹۳ واحد سیار نمایش فیلم در چین وجود داشت. در هفده سال خلال ایجاد جمهوری خلق چین تا انقلاب فرهنگی ۶۰۳ فیلم تولید و ۸۳۴۲ حلقه مستند ساخته شد.

در سال ۱۹۵۶ آکادمی فیلم پکن تاسیس شد. یکی از فیلم‌های مهم این دوران «این زندگی من» (شی هو؛ ۱۹۵۰) است. فیلم‌های انیمیشن چینی بیشتر مضامین هنرهای رزمی داشتند و از نقاشی‌های سنتی، تئاتر سایه بهره می‌گرفتند. مشهورترین آنها فیلم دو قسمتی کلاسیک آشفتگی در بهشت (۱۹۶۱ و ۱۹۶۴) به کارگردانی ون لی‌مینگ بود که از جشنواره بین‌المللی فیلم لندن برنده جایزه شد.

در سال‌های ۱۹۵۶ و ۱۹۵۷ سانسور بیداد می‌کرد. اوایل سال‌های ۱۹۶۰ فیلم‌های چینی کمتر متاثر از اتحاد جماهیر شوروی بودند. در این دوران کم‌دین‌ها نقدهای گزنده‌ای را در قالب طنز نشان می‌دادند. یکی از آنها لو بن نام داشت که پس از ساختن کمدی ناتمام (۱۹۵۷) برای تمام عمر جلوی فیلمسازی او را گرفتند. «کمدی ناتمام» پس از مرگ مائو به نمایش درآمد.

انقلاب فرهنگی

در دوران انقلاب فرهنگی صنعت سینمای چین به شدت محدودیت داشت. پس از انقلاب فرهنگی سینمای چین به عنوان مدیومی سرگرم‌کننده دوباره رونق گرفت. چین از تولید ۱۹ فیلم در سال ۱۹۷۷ به تولید ۱۲۵ فیلم در سال ۱۹۸۶ رسید. فیلم‌های چینی مخاطب فراوانی داشت. فیلمسازان چینی خلاقیت خود را رو کردند و مانند هم‌تایان غربی خود دست به تجربه‌گرایی زدند.

در سال‌های ۱۹۸۰ صنعت سینمای چین دچار مشکلاتی شد. علاوه بر تهدید فرم‌های دیگر سرگرمی‌سازی علیه سینما، فیلم‌های هنرهای رزمی و تریلرهای عامه‌پسند چندان مورد استقبال جامعه قرار نمی‌گرفت. در سال ۱۹۸۶ وزارت رادیو تلویزیون و سینما تاسیس شد تا بیشتر روی این رسانه‌ها کنترل وجود داشته باشد و مدیریت شوند. یکی از فیلم‌های مهم «بادبادک آبی» ساخته تیان ژوانگ ژوانگ نام داشت که در سال ۱۹۹۳ ساخته شد.

پیدایش نسل پنجم فیلمسازان چینی

در سال‌های میانی ۱۹۸۰ فیلمسازان نسل پنجم چین بیش از پیش شهرت سینمای چین را در دنیا عالم‌گیر کردند. بیشتر کارگردان‌های این نسل دانش آموخته از آکادمی سینمای پکن در سال ۱۹۸۲ بودند از جمله ژانگ بی‌مو، تیان ژانگ ژانگ، چن کایگه، ژانگ جونژائو. آنها نخستین گروه دانش‌آموخته از این آکادمی پس از انقلاب فرهنگی بودند و خیلی زود روش‌های داستان‌گویی سنتی را زیر پا گذاشتند و رویکرد رهاتر و غیر سنتی را برای داستان‌گویی انتخاب کردند.

فیلم‌های یک و هشت (ژانگ جونژائو، ۱۹۸۳) و زمین زرد (چن کایگه، ۱۹۸۴) آغازگر فیلمسازی این نسل شد. مشهورترین آنها ژانگ بی‌مو و چن کایگه فیلم‌های مشهوری مانند بدرود محبوبه ام (۱۹۹۳)، ذرت سرخ کرده (۱۹۸۷) که برنده جایزه خرس طلایی جشنواره فیلم برلین شد، ساختند. آثار این فیلمسازان نه تنها مورد توجه چینی‌ها قرار داشت بلکه در محافل هنری بین‌المللی نیز به محبوبیت رسید. آثار مهجورتر یکی از کارگردان‌های این نسل تیان ژوانگ ژوانگ مورد توجه مارتین اسکورسیزی بود.

در این دوران آثار کارگردان‌های نسل پنجم از جشنواره‌های معتبر بین‌المللی جوایز معتبری را به خود اختصاص دادند مانند خرس طلایی جشنواره برلین (ذرت سرخ کرده)، شیر طلایی و نیز (داستان کیو جو)، نخل طلا (بدرود محبوبه ام) و سه بار نامزد دریافت جایزه اسکار بهترین فیلم خارجی زبان شدند.

حادثه میدان تیان انمن جنبش نسل پنجم فیلمسازی در چین را برچید. بسیاری از فیلمسازان این نسل از کشور مهاجرت کردند؛ در حالی که بسیاری از آنها به ساختن فیلم ادامه دادند.

نسل ششم فیلمسازان چینی

پس از سال‌های ۱۹۹۰ فیلمسازی آماتور رواج پیدا کرد؛ چراکه پس از حادثه میدان تیان انمن دولت سانسور را بیش از گذشته

اعمال می کرد.

به کارگردان های این دوره نسل ششم می گویند. فیلم های این کارگردان ها ارزان و سریع به تولید می رسید. آنها از فیلم های ۱۶ م.م یا روش ویدیویی دیجیتالی برای ساختن فیلم استفاده می کردند. بیشتر بازیگران، نابازیگر بودند. فیلم ها حالت مستندگونه داشتند، سکانس پلان های طولانی، دوربین روی دست، بیشتر سبک سینما وارپته و فیلم های نئو رئالیسم ایتالیا را تداعی می کردند.

برخلاف نسل پنجم این نسل نگاهی ضد رمانتیک و منحصر بفرد به زندگی داشتند و توجه بیشتری به زندگی شهری مبذول می کردند که تحت تاثیر شورش ها و بلوا ها و ناراضی از سبک زیستی و تنش های جامعه معاصر چین بودند. از فیلمسازان این نسل می توان به جیا ژانگ، ژانگ یوآن، ونگ ژیاوشوآی، لو یی، لو چان اشاره کرد. یکی از فیلم های ژانگ « نشانی از گناه» بود که در جشنواره کن ۲۰۱۳ به نمایش درآمد، با تحسین منتقدان مواجه شد و جایزه بهترین فیلمنامه را از آن خود کرد. بسیاری از فیلمسازان این نسل مشارکت منفی چین در ورود به بازار کاپیتالیست را نشان می دادند مانند انتقال کور (لی یانگ ۲۰۰۳) که به دو تبهکار قاتل در صنعت معدن و بدنام شمال چین می پرداخت.

لی یانگ خود را از نسل ششم نمی داند اما خود را از نسل پنجم فیلمسازان چینی هم نمی داند! نسل جدید و دیگری از فیلمسازان به نسل دیجیتال شهرت دارند که فیلم های ارزان و دیجتالی می سازند مانند جیان یی یا ینگ لیانگ. از فیلم های این نسل می توان اشاره کرد به نیمه دیگر (۲۰۰۶) و پدر را به خانه ببر (۲۰۰۵).

جشنواره های مهم سینمای چین عبارتند از جشنواره فیلم شانگهای، جشنواره بین المللی فیلم پکن و جشنواره فیلم گوآنجو. گزارش از ارغوان اشتري